

اعدام، ابزار سرکوب بورژوازی؛ مبارزه طبقاتی، راه رهایی!

LA GUILLOTINE BRULÉE

Tandis que Versailles traite de « malfaiteurs » tous les combattants de Paris et crache le nom d'assassins à nos malheureux prisonniers, tandis que la province se persuade que Paris est à feu et à sang, que le pillage y règne et que le meurtre y gouverne, — sait-on ce qu'en effet cet honnête et généreux peuple parisien pille, détruit et brûle? — La guillotine.

Hier matin, à neuf heures, le 137^e bataillon, appartenant au onzième arrondissement, est allé rue Folie-Méricourt, il a « réquisitionné » et pris la guillotine, il l'a portée sur la place Voltaire, il a brisé en morceaux la hideuse machine, et, aux applaudissements d'une foule immense, il l'a brûlée.

Il l'a brûlée au pied de la statue du défenseur de Sirven et de Calas, de l'apôtre de l'humanité, du précurseur de la Révolution française, — au pied de la statue de Voltaire.

کیوتین سوزانده شد

صدای انترناسیونالیستی

« این چه نوع جامعه‌ای است که برای دفاع از خود هیچ ابزار بهتری جز
جلاد نمی‌شناسد، و از طریق «روزنامه‌ی پیشرو جهان»، بی‌رحمی خود
را به عنوان قانونی ابدی اعلام می‌کند؟ » مارکس – مجازات اعدام

بورژوازی جنایتکار اسلامی در روزها و هفته‌های اخیر موج تازه‌ای از اعدام‌ها را به راه
انداخته است. این اعدام‌ها هم زندانیان عادی و هم زندانیانی را در بر می‌گیرد که در پی
اعتراضات بازداشت شده‌اند یا با اتهاماتی همچون جاسوسی به اعدام محکوم شده‌اند. اعدام
یکی از عریان‌ترین اشکال قهر و سرکوب دولتی است و باید آن را در چارچوب مناسبات
طبقه‌ای سرمایه‌داری و نقش دولت به عنوان ابزار سلطه طبقه‌ای فهمید.

تاریخ بورژوازی ننگین اسلامی، تاریخی آمیخته با سرکوب و خونریزی بوده است. در دهه
۶۰ شمسی، جنایتکاران اسلامی ده‌ها هزار انسان معترض به دیکتاتوری و توحش حاکم را
به بند کشید و ده‌ها هزار زندانی سیاسی را اعدام و قتل عام کرد. اعدام، کشتار و سرکوب،
نه رویدادهایی استثنایی، بلکه بخشی از عملکرد مستمر بورژوازی اسلامی در طول حیات
ننگین آن بوده است.

از منظر مارکسیستی، مخالفت با اعدام صرفاً مخالفتی اخلاقی یا حقوق بشری نیست. مسئله
اساسی، نقد اجتماعی و طبقه‌ای مجازات و دولتی است که حق گرفتن جان انسان‌ها را برای
خود قائل می‌شود. مارکس نیز در نوشته‌های خود درباره مجازات اعدام، این تصور را به
چالش کشید که جامعه می‌تواند با کشتن انسان، یک مسئله اجتماعی را حل کند. اعتراض

علیه نظم حاکم و حتی تخلف، جرم و مجازات را نمی‌توان از شرایط اجتماعی و مناسباتی که آنها را تولید می‌کنند جدا کرد.

تجربه کمون پاریس نیز از همین زاویه اهمیت دارد. در ۶ آوریل ۱۸۷۱، گروهی از گاردهای ملی و مردم پاریس گیوتین را به میدان ولتر بردند، آن را در برابر جمعیت شکستند و به آتش کشیدند. این اقدام نمادین بیانگر نفرت و اعتراض نسبت به یکی از عریان‌ترین ابزارهای قهر دولتی بود. سوزاندن گیوتین، در متن مبارزه کموناردها علیه دستگاه دولت موجود، نمادی از گسست از سنت مجازات و سرکوب دولتی بود.

پس از انقلاب اکتبر، حکومت شورایی در نخستین ماه‌های انقلاب مجازات اعدام را لغو کرد. قرار بود محاکمه خانواده رومانوف به کیفرخواستی علیه بورژوازی جهانی تبدیل شود. تنها با آغاز لشکرکشی قدرت‌های امپریالیستی و تشدید جنگ داخلی بود که مجازات اعدام، در شرایط دفاع از انقلاب در برابر ضد انقلاب، بار دیگر برقرار شد.

سرکوب، اعدام و قتل‌عام را باید در پیوند با نظام سرمایه‌داری و دولت طبقاتی فهمید. در ایران، این مناسبات سرمایه‌داری با روبنای ایدئولوژیک و سیاسی اسلامی درهم تنیده است. بنابراین، پایان دادن به توحش ماشین سرکوب بورژوازی اسلامی صرفاً با تغییر شکل حکومت یا اصلاح قوانین مجازات امکان‌پذیر نیست؛ مستلزم برچیدن مناسبات اجتماعی‌ای است که سلطه، استثمار و سرکوب دولتی را بازتولید می‌کنند.

در مقابل، اشک تمساح دموکراسی‌های بورژوایی، به‌ویژه دولت‌های اروپایی، درباره اعدام‌ها و نقض «حقوق بشر» در ایران، نباید ما را دچار توهم کند. اعتراض دولت‌های غربی

به اعدام‌ها، تحریم‌های حقوق بشری و حمایت سیاسی آنان از برخی اعتراضات، در چارچوب منافع و رقابت‌های دولت‌های بورژوازی و سیاست فشار بر جمهوری اسلامی قرار دارد. این دولت‌ها خود نیز بخشی از نظام جهانی سرمایه‌داری و ماشین‌های سرکوب دولتی آن هستند و نمی‌توانند آلترناتیوی برای رهایی پرولتاریا ارائه دهند.

اتکا به نهادهای بورژوازی بین‌المللی و دولت‌های بورژوازی که همگی جنایتکار جنگی هستند، برای پایان دادن به سرکوب، تنها می‌تواند توهمی کاذب نسبت به دموکراسی‌های بورژوازی ایجاد کند. مسئله اساسی این است که طبقه کارگر قدرت تاریخی خود را به عنوان یک طبقه بشناسد و در برابر دولت و سرمایه، مستقل از تمامی جناح‌های بورژوازی، وارد مبارزه طبقاتی شود.

تنها مبارزه مستقل طبقاتی پرولتاریاست که می‌تواند ماشین سرکوب بورژوازی اسلامی را به چالش بکشد و هم زمان مانع از آن شود که نیروهای ضد انقلابی، جناح‌های مختلف بورژوازی و باندهای ارتجاعی، نارضایتی اجتماعی را در خدمت اهداف خود قرار دهند. چیزی که دستگاه سرکوب بورژوازی اسلامی را بی پروا می‌کند، صرفاً قدرت و ابهت ظاهری آن نیست؛ بلکه مهم‌تر از آن، غیبت پرولتاریا از صحنه مبارزه به عنوان یک نیروی مستقل و سازمان‌یافته طبقاتی است.

سرمایه‌داری بوی خون، کثافت، اعدام، قتل‌عام، جنگ و بربریت می‌دهد. مسئله اساسی برای طبقه کارگر، اصلاح این نظام یا جایگزین کردن یک شکل حکومت بورژوازی با شکل دیگری از آن نیست؛ بلکه برانداختن مناسبات سرمایه‌داری از طریق انقلاب

کمونیستی است. بیش از هر زمان دیگری، آینده بشریت در گرو مبارزه تاریخی طبقه کارگر است.

برای پایان دادن به اعدام، سرمایه‌داری را باید به زیر کشید!

فیروز اکبری

۲ شهریور ۱۴۰۵

کانال تلگرام:

<https://t.me/intvoice>

ایمیل:

contact@internationalistvoice.org

وبسایت:

www.internationalistvoice.org

ایکس (توییتر سابق):

https://twitter.com/int_voice

آزادی حمید نوری جلا
دموکراسی بورژوازی روی
دیگر دیکتاتوری بورژوائی است

صدای انترناسیونالیستی

مرگِ جِلاَد

لعلی از گورستان خاوران

صدای انترناسیونالیستی

بدون بزرگشیدن سرمایه‌داری نمیتوان
جمهوری اسلامی را به محاکمه کشید

Khavarani cemetery 1988, political mass grave

گور دسته جمعی خاوران

صدای انترناسیونالیستی

[illegible]